



انگیزه جلوگیری از بروز ناملنی در فضای اقتصادی جامعه و رعایت حقوق طلبکاران، مقنن را بر آن داشته است تا مقررات خاص و بازدارنده‌ای را از جمله ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که در قانون سابق در ماده ۴ آن ذکر شده بود، به‌عنوان یک ابزار حمایتی پیش‌بینی کند. هر چند نباید فلسفه وجودی حبس مدیون را با حبس بزهکاران جزایی یکسان دانست لکن برخورد قاهرانه قانونگذار با مدیون، بدون در نظر گرفتن ابزارها و اقدامات پیشگیرانه و سازوکار ناتوان‌سازی و بازپروری متخلف مالیی به جهت جلوگیری از تکرار رفتارهای زاینبار قبلی‌اش می‌تواند هزینه‌های فراوان و بار مالی قابل توجه اجرای حبس بدهکاران مالی تا زمان ایفای دین یا اثبات اعسارشان، از جمله هزینه‌های دستگیری و رسیدگی‌های زند یا به قاضی و نگهداری در حبس را بر پیکره جامعه تحمیل کند. در برخی موارد مهم‌ترین خسارت، محرومیت جامعه از نیروهای فعال اقتصادی و سرمایه‌های اصلی خود است و ناکارآمدی هر چه بیشتر این نوع ضمانت‌اجراهای غیرپولی را بیشتر آشکار می‌کند. چه بسا ممکن است خواسته طلبکار جنبه سواستفاده از حق بایفای زند باشد که با اعطای مهلت کوتاهی به مدیون می‌توان او را در ایفای دین خود یاری کرد. از سوی دیگر نوع مسؤولیت تحمیلی بر مدیون و برخورد قاهرانه هر چند با طبع فضای کسب و کار و ایجاد اعتماد در آن سازگار است و در ظاهر به نفع طلبکاران نیز هست لکن با چنین رفتاری، عدالت توزعی، تناسب مسؤولیت مدیون با فعل زاینبار و میزان تاثیر تقصیر مرتکب در خسارت وارده به زیان دیده نادیده گرفته می‌شود. تمام این نقایص در کنار بی‌سرپرست ماندن خانواده‌ها، در عمل باعث شده از اهدافی که مقنن بابت تدوین یک قانون مناسب و رعایت اصول حاکم بر اقتصاد داشته، دور شود، به علاوه اینکه هزینه‌های اصلی و نهایی اجرای آن به جای طرفین، بر جامعه تحمیل می‌شود. البته با توجه به پیوند حقوق و دیگر علوم اجتماعی از جمله اقتصاد، آثار و تبعات و کارآمد بودن این ماده قانونی در مجموع باید بررسی شود لکن صرف‌نظر از مباحث حفظ کرامت انسانی و عدم سلب آزادی اشخاص، در بدای امر این موضوع به ذهن متبادر می‌شود که منطقی نیست جامعه و مردم دیگر متحمل خسارت و آثار زاینبار معامله‌ای شوند که نقشی

در ایجاد آن نداشته‌اند و حتی ممکن است طلبکار دقت کافی در بررسی اوضاع و احوال مالی بدهکار نداشته و با ریسک بالا وارد معامله شده باشد یا بدهکار نیز به عمد یا بر اثر فعالیت‌های مالی پرخطر، ناتوان از پرداخت دین خود شده باشد و عدالت حکم می‌کند خود هزینه رفتارشان را بپردازند و نه جامعه. شاید درباره اشخاصی که برای شهرت‌شان ارزش بالایی قائل هستند اینگونه به نظر برسد که ایجاد ضمانت اجرای حبس یک عامل موثر بازدارنده تلقی می‌شود، زیرا این افراد برای جلوگیری از آثار سوء زندانی شدن خود از جمله از دست دادن اعتبار تجاری یا اجتماعی و برجسبزی افراد اجتماع، در معاملات خود احتیاط‌های لازم را به عمل آورده و در ایفای دین خویش نهایت صداقت را به عمل خواهند آورد و اشخاص دیگر نیز که شاهد چنین رفتار قاهرانه‌ای با مدیون هستند در معاملات و ایفای تعهدات مالی خویش دقت می‌کنند تا به نوعی امنیت معاملاتی در سطح جامعه ایجاد و حقوق طلبکارانی که با حسن‌نیت و جهت کسب منافع مشروع با این افراد وارد معامله شده‌اند، رعایت شود ولی در عالم واقع بیشتر مدیونین افراد خطرپذیری هستند که در روابط مالی اجتماعی خود دقت لازم را نداشته یا کلا نگران اطلاعاتی و توانایی مالی برابری با طرف معامله ندارند و حتی پس از آزادی از حبس با برجسبسی که از این اقدام خود بر پیشانی آنها زده می‌شود، عملاً محدودیت زیادی در ادامه فعالیت‌های شغلی ایشان ایجاد می‌شود. منظور از بازدارندگی حبس، ایجاد ضمانت بازادشت نیز بر دوش طلبکار از ارتکاب مجدد عمل غیرقانونی است. برای مثال چنانچه شخصی بابت گرفتنوشی یک کالا نسبت به قیمت آن چندین برابر میزان گرفتاروشی خود جریمه می‌شود، چون این ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده درباره افراد مشابه دیگر نیز قابل وصول است، شخصی که در صدد ارتکاب نهداده شده بود که هزینه اجتماعی مالی و تخلف از قوانین قبلی تعهدات مالی تحمیلی نشود و بانوجه به نسخ قوانین قبلی مرتبط با حبس مدیون، حتی کسانی که به دلایل مذکور در توقیف بودند آزاد شدند و صرفاً محکومان به پرداخت جزای نقدی از شمول این ماده خارج شده بودند. مدیون به صرف اظهار خود، معسر تلقی می‌شد. مبنای عدم جواز حبس معسر را می‌توان آیه شریفه ۲۸۰ سوره بقره «وان كان ذو عسر و آفة الهی میسر» و همچنین روایاتی از جان، مال و ناموس آدمیان تاکید کرده‌اند و جامعه بشری

نیز تلاش‌هایی در جهت تدوین حقوق انسان‌ها و برابری و کرامت ایشان از جمله در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸] کرده است.از طرفی هم از منظر اخلاقی و به جهت حفظ نظم معاملاتی و امنیت اقتصادی جامعه هر متعددی ملزم به اجرای تعهدات مالی خویش است لکن در صورتی که موضوع تعهد به دلیل عدم توانایی مدیون امکانپذیر نباشد با توجه به روایات و احادیث و ارزش آزادی انسان‌ها اعمال ضمانت اجراهای قانونی از جمله حبس مدیون دور از عدالت به نظر می‌رسد. قانون مناسب مهم‌ترین محصول حقوق در جامعه مبتنی بر اصول دموکراسی، به شمار می‌آید. و مراد از قانون مناسب، قانون مطلوبی است که ضمن کنترل هزینه‌های تحمیلی به جامعه، رفتاری عادلانه با آحاد جامعه داشته و در نهایت باعث کارآمدی و ایجاد امنیت معاملاتی و افزایش رفاه اجتماعی شود. نظریه اقتصاد رفاه، به دنبال تدوین قوانین و مقرراتی است که علاوه بر منطبق حقوقی از منطق اقتصادی نیز بهره‌مند باشد. هدف پیامدگرایی قانون نیز از جنبه پیامدهای اقتصادی و اخلاقی قابل بررسی است و در پیامد محوری از جنبه اقتصادی قانون صرفاً ابزاری برای کارایی اقتصادی از طریق ایجاد انگیزه برای افراد، توزیع ضرر و درونی کردن هزینه‌های خارجی ضررها محسوب می‌شود.لکن ابزار کاربان اخلاقی مسؤولیت مدنی را وسیله‌ای برای تحقق هدف‌ها و آرمان‌های اجتماعی، سیاسی یا فلسفی خاصی (غیر از کارایی اقتصادی) مانند جبران خسارت زیان‌دیدگان، باز داشتن افراد از در پیش گرفتن رفتار غیراجتماعی، تحقق عدالت توزعی، تحقق عدالت ماهوی و حمایت از حقوق زنان و اقلیت‌ها می‌داند و معتقدند تنها در چارچوب چنین هدف‌ها و آرمان‌های قابل توجیه است. بر اساس اولین قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۵۱۳/۱۱ محکومان به پرداخت جزای نقدی یاضرر و زیان ناشی از جرم که ناتوان از تادیه بودند، حبس می‌شدند لکن اگر با تحمل نصف ایام بازادشت ادعای اعسار می‌کردند آنان پس از صدور حکم مربوط به اعسار ایشان، آزاد می‌شدند. در ماده ۳ همین قانون پس از استنای امور جزایی مقرر شد مدیون به نسبت هر ۵۰۰ ریال یک روز بازادشت شود و حداکثر آن ۲ سال مقرر شد و پس از بازادشت در حکم معسر تلقی می‌شد ضمناً هزینه بازادشت نیز بر دوش طلبکار می‌د نهاد شده بود که هزینه اجتماعی مالی و تخلف از قوانین قبلی ولسی در پی تحولات جهانی و حمایت‌های بین‌المللی از حقوق‌بشر در سال ۵۲ قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی در ۲۲ آبان ماه همان سال تصویب و مقرر شد هیچ کسی در قبال عدم پرداخت دین و محکومیت‌های مالی و تخلف از انجام سایر تعهدات مالی تحمیلی نشود و بانوجه به نسخ قوانین قبلی مرتبط با حبس مدیون، حتی کسانی که به دلایل مذکور در توقیف بودند آزاد شدند و صرفاً محکومان به پرداخت جزای نقدی از شمول این ماده خارج شده بودند. مدیون به صرف اظهار خود، معسر تلقی می‌شد. مبنای عدم جواز حبس معسر را می‌توان آیه شریفه ۲۸۰ سوره بقره «وان كان ذو عسر و آفة الهی میسر» و همچنین روایاتی از

پیشنهاداتی برای اجرای مؤثر تر مجازات در محکومیت‌های مالی

آیا بدهکار را فقط باید حبس کرد؟

- جواد بدائی*

جمله روایات منقول از حضرت علی علیه‌السلام دانست. زنی علیه مهرش به دلیل عدم پرداخت نفقه دادخواهی کرد ولی چون شوهر معسر بود امام از حبسش امتناع کردند و فرمودند «ان مع العسر یسرا».البته مطابق روایات و احادیث دیگری از جمله حدیث نبوی شریف «لی الواجد یحل عقوبته: کسی که توان پرداخت دارد و نمی‌پردازد عقوبتش جایز است» حبس مدیونی که از پرداخت دین طفره می‌رود مجاز شناخته شده است. حدیث دیگری نیز از امام صادق نقل شده که می‌توان آن را مبنای این ماده قانونی دانست که حضرت(ع) فرموده‌اند: امام علی(ع) فردی را که از ادای دین خویش امتناع می‌کرد، حبس می‌نمود و سپس دستور می‌داد که مال خود را به طلبکاران به نسبت تقسیم کند و اگر خودداری می‌کرد، آن را می‌فروخت و بین آنان تقسیم می‌کرد. شهید ثانی بسین مدیونی که مدیون بابت آن وجهی دریافت کرده و دیون ناشی از جنایت که مدیون بابت آن وجهی دریافت نکرده، تفصیل قائل شده‌است که این‌نظر منطبق بر قانون جدید و ماده ۳ آن است: «پس از ادعای ناداری و پیش از اثبات آن، فقط در صورتی شخص محسوب می‌شود که اصل بدهی مال باشد، مانند قرض یا عوض مال باشد مثل ثمن مبیع اگر این دو منتهی باشد منالصل بدهی ناشی از جنایت یا اتلاف باشد قول وی درباره ناداری به دلیل اصالت عدم وجود مال با سوگندش پذیرفته می‌شود.» با بررسی جامع می‌توان گفت سیاست‌های تضمینی ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی درباره بدهکاران مالی، قابلیت اجرایی و اثر بازدارندگی لازم را ندارد اول اینکه مالیات اجرائی و اثر منفی طلبکاران و اثر منفی اجتماعی این بدهی کلاننقش موثری در مدت حبس مدیون ندارد و چه بسا افرادی به واسطه عدم توانایی پرداخت مبلغ اندکی در کنار اشخاصی که مبلغ هنگفتی بابت اعمال پرخطر خود مدیون هزاران نفر شده‌اند، در یک محل و تحت شرایط یکسان تا زمان اثبات اعسار یا رضایت محکوم له، تحمل حبس می‌کنند. همچنین در موارد بسیاری ممکن است شخص برای رهایی از زندان با تقدیم درخواست اعسار، اعلام کند با تقسیط بدهی دین خویش را به مرور پرداخت خواهد کرد ولی پس از قبول این ادعا و خروج از زندان، به علت عدم اعتماد جامعه به این شخص به واسطه عدم اعتماد جامعه به بازادشت نیز بر دوش طلبکار می‌د که به این قبیل اشخاص از قبل زده می‌شود منجر به عدم توانایی در اشتغال به شغل جدید یا ادامه فعالیت کاری قبلی خود شده و عملاً درآمد کافی برای پرداخت اقساط نداشته و مجدداً حبس می‌شود که اثری مخرب‌تر خواهد داشت و این خود یک تالی فاسد گسترده از جمله ایجاد بدبینی به دستگاه محترم قضایی و احساس ناکارآمد بودن قوانین مصوب را در پی خواهد داشت. بنابراین این اقتضا وجود دارد که ضمانت در آرای صادره خویش وضعت مالی فرد و تعهدات مالی و غیرمالی او پس از آزادی را در نظر گرفته و صرفاً جهت کاهش موقت آمار زندانیان مبادرت به تقسیط هر نوع بدهی و درباره هر شخصی نکرده و تمام جوانب را در نظر بگیرند، زیرا این آزادی از حبس کارآمدی لازم رانداشته و با ایجاد تعهدات جدید، مشروع نظر ممکن است برای جلوگیری از

اعزام مجدد به زندان به افکار پرخطرتری مبادرت ورزد و موجب برهم خوردن نظم معاملاتی و تحمیل هزینه‌های اجتماعی بیش‌تری بر جامعه و رجوع مجدد زایندیدگان به محاکم و رسیدگی‌های چند باره شود و باید متناسب با میزان توانایی مالی، تخصص، میزان تعهدات مدیون و امکانات پس از آزادی او، رای بر تقسیط متناسب صادر شود. به طور مثال با کارگری که به علت عدم توانایی در پرداخت رقم اندکی که ناشی از یک تقصیر جزئی بوده و با اعمال این ماده به زندان معرفی شده است نمی‌توان رفتاری مانند یک مالک بنگاه تجاری که حجم معاملاتی وسیعی داشته و معاملات تجاری او اثرات گسترده‌ای بر نظم اقتصادی جامعه دارد، داشته باشیم و تصمیم یکسانی اتخاذ کنیم. برای بازدارندگی لازم دستگاه قضایی باید با تجدیدنظر در قوانین اعسار، دادگاه‌های تخصصی تشکیل شود که امکانات بررسی شرایط ذکر شده را داشته و از قضات باتجربه و آشنا به احوال اقتصادی روز جامعه استفاده کرد تا رسیدگی تخصصی، سریع‌تر و کارآمدتری داشته باشند تا از این طریق با کاهش سطح خطاهای احتمالی، افراد اقل خطرگریز تحت کنترل بیشتری قرار گرفته و با کاهش معقولانه تعداد زندانیان، بتوان به اهداف بازدارندگی این قانون نزدیک‌تر شد. به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان بیان داشت از لحاظ تحلیل اقتصادی حقوق، قانون یک کالای عمومی محسوب می‌شود و مقنن در تصویب قوانین باید کارایی اقتصادی آن را در نظر گرفته و مواردی را که موجب ایجاد بی‌نظمی در بازارهای معاملاتی، کاهش ثروت عمومی و گسترش بی‌عدالتی و انصاف می‌شود حذف‌اامکان حذف کرده تا رفاه اجتماعی افزایش یابد. هدف اصلی از حبس مدیون کنترل آثار خارجی رفتار او است تا صرف حقوق طلبکار که حتی در مواردی می‌تواند موجب شکست در یک بازار رقابتی شود، همچنین با توجه به هزینه‌های تحمیلی حبس اشخاص به اجتماع و آثار زیانبسار آن و اصول مندرج در قانون اساسی از جمله اصل ۴۰ این قانون که مقرر می‌دارد «هیچ کسی نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله تضارر به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» باید قائل به این نظر بود که ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی هر چند نسبت به قانون سابق خود، اصلاحات موثری داشته ولی بدون رعایت تناسب تاثیرگذاری رفع مرتکب و عدم لحاظ پیامدگرایی اجرایی آن عملاً کارایی لازم را ندارد و باید ضمانت‌های اجرایی که حاکمان به نمایندگی از اجتماع می‌توانند بر بدهکاران تحمیل کنند هم جنبه تحقیری‌شان کاهش یابد و هم این نیروهای شاغل که مهم‌ترین سرمایه یک جامعه محسوب می‌شوند، بتوانند جبران تلفات کرده و دیون خویش را بپردازند. استفاده از ابزارهای الکترونیکی مانند میچندانه در کنار اجبار به انجام فعالیت‌های خاص اجتماعی یا شغلی خوب است و در عین حال با توجه به آمار حاصله و اثرات عملی آن، به نظر می‌رسد بسیار مؤثرتر از حبس مدیون عمل کرده و با کاهش هزینه‌های اجتماعی آن در واقع منفعی را نیز برای جامعه به همراه دارد.

قاضی دادگستری

ایشان در حوزه فلسفی قم طرح نظریات فلسفه الهی به سبک جدید و پاسخ به فلسفه مادی ماترالیسم دکالکتیک بود. با برپایی انجمنی علمی و طرح مسائل جدیدی که در حوزه تفکر مادی مطرح شده، پاسخ برهانی خویش را در اصول فلسفه و روش رئالیسم تهیه دید که با شرح شاگرد فرانزاش استاد شهید مرتضی مطهری این سیره علمی در اقصی نقاط عالم اسلامی منتشر شد. شهید مرتضی مطهری پیرو مکتب فلسفی ۲ استاد فرانزاش حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی بود که با تدوین و تدریس کتبی در فلسفه تطبیقی و نقد تفکر مارکسیسم، مبانی فکری فلسفه اسلام را در حوزه قم و تهران بین افشار مختلف فرهنگی اعم از طلاب علوم دینی، دانشجویمان و عموم مردم رواج داد. البته استناد دیگری نیز در حوزه فلسفی قم به تدریس اشتغال داشته و دارند که برخی از آنها عبارت‌اند از: آیت‌الله العظمی عبدالله جوادی‌آملی، آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی و آیت‌الله محمدتقی مصباح. آنچه در این دوره از حوزه فلسفی اهمیت ویژه دارد، رشد تفکر فلسفه سیاسی است که شاید بتوان گفت در هیچ یک از دوره‌های فرهنگی این رشد و شکوفایی در حوزه‌های علمیه روی نداده است. در این دوره مبانی اندیشه سیاسی اسلام مورد بررسی قرار گرفته و اصول اولیه تدوین می‌یابد تا نظریه ولایت فقیه به صورتی جامع و کامل مطرح شده و تا نقد مکاتب فلسفی غرب جایگاه خویش را در متن جامعه پیدا می‌کند. در این دوره دیگر بار پس از ۱۴۰۰ سال مبانی عقیدتی و فلسفه سیاسی اسلام از کتاب‌ها و کتابخانه‌ها و اندیشه‌های فردی خارج شده و در متن جامعه پیاده شده، مدینه فاضله اسلامی برپا می‌شود.

منابع:

پایگاه اطلاع‌رسانی کانون ایرانی پژوهشگران فلسفه و حکمت
پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد حکمت اسلامی صدرا
پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه

روزنه
<div><div></div><div><div>کودتا در صنعاء، آتش در ابوظبی</div></div></div>
رسول سنایی‌راد:اشغال چند مرکز دولتی به دست عده‌ای از نیروهای وابسته به علی عبدالله صالح که با خیانت به دولت انقلابی انصارالله یمن قصد کودتا داشتند، بلافاصله از سوی آل سعود و ائتلاف عربی متجاوز مورد حمایت قرار گرفت و اقدام خائنانه آنان که در اجرا نیز با آتش هوایی متجاوزان همراه بود، به عنوان خروج صنعا و تمام مراکز استان‌ها از دست انصارالله معرفی شد. آنچه در این ماجرا بیشترین نقش را داشت، بزگمبای شدید وقایع از سوی رسانه‌های عربی وابسته به دلارهای نفتی آل سعود و صهیونیسم جهانی بود که پیش از این نیز در سوریه با حمایت از تروریست‌های تکفیری همواره آنان را برنده میدانی در آشوب‌های داخلی معرفی کرده و حرص پیوستن تروریست‌های خارجی را با قلب وقایع برمی‌انگیختند. این در حالی بود که با مسدود شدن مسیرهای ورودی به شهر با تلاش قبایلیل آزاده متحد انصارالله و دیگر نیروهای مردمی، نیروهای نفوذی و خائن به سرعت در محاصره قرار گرفته و مجبور به خروج از مراکز دولتی از جمله فرودگاه و تلویزیون دولتی یمن شدند و حتی برخی مراکز رسانه‌ای متعلق به نیروهای علی عبدالله صالح را نیز از دست دادند. خشتی شدن کودتا و شکست خائنان و کشته‌شدن علی عبدالله صالح اما هیچ‌گاه مورد اقبال رسانه‌های عربی وابسته به آل سعود و صهیونیست‌ها قرار نگرفت و اخبار مربوط به آن با سانسور شدید مواجه شد تا با حفظ روحیه باقیمانده خائنان و حامیان کودتا، شناس سازماندهی مجدد و اقدامات فرسایشی را علیه انصارالله بالا برده و تقویت کنند، بویژه اینکه این کودتا، القای ایجاد شکاف گسترده در بدنه نظامی و حامیان مسلح انصارالله، تضعیف توان دفاعی و نظامی جریان انقلابی و برتری نیروهای جدا شده را به افکار عمومی پمپاژ می‌کرد. اخبار مربوط به ارتباطات مشکوک علی عبدالله صالح با آل سعود و متجاوزان از یک‌سو و طرح آل سعود برای واگذاری قدرت به اطرافیان وی برای دوره انتقالی و به عبارت دیگر زد و بند سیاسی و جداسازی و خیانت وی به انصارالله که بارها در فضای رسانه‌ای مطرح شده بود هم این تلقی و برداشت را تقویت می‌کرد. اما دقیقاً همان زمان که در فضای رسانه‌ای و حامیان آنها، یعنی آل سعود و ائتلاف متجاوز نشان می‌داد، غرض شلیک موشک به سوی ابوظبی این توهم را در هم شکست و تسلط انصارالله بر اوضاع و حفظ بنیه دفاعی و نظامی آن را به اثبات رساند. شلیک این موشک به کارگاه نیروگاه هسته‌ای در حال احداث امارت خبر از تاملی کودتاگران خائن و اربابان خارجی آنها و دست‌نمایی انصارالله به سطح بالای این اقدام، مهارت راهبردی در مقابله با متجاوزان پس از حدود ۳ سال جنگ نابرابر می‌دهد. چنین توانی حامل این پیام به متجاوزان و اشغالگران است که ادامه تجاوز و اشغالگری برای آنان پر هزینه بوده و آتش جنگ به درون یمن و خطوط گردی در خارج از مرزهای آنان محدود نخواهد بود. بنابراین راه خروج از این باتلاقی پایان دادن به لجajt و تجاوز و به رسمیت شناختن استقلال و حاکمیت یمن و سپردن میدان به طرف‌های یعنی بویژه رای مردم یمن برای تعیین حاکمان و تصمیم‌گیری نسبت به خائنان است. مذاکرات سیاسی نیز باید به دور از مداخله بیگانهگان و با اراده طرف‌های یعنی تنظیم شود و به اجرا درآید و از تحمیل خواسته‌های خارجی و غیرمنطقی به نمایندگان و ناظران بین‌المللی نیز اجتناب شود تا با اراده ملی یعنی‌ها دولتی ملی تشکیل شود. به یقین وجود حاکمیت ملی، مستقل و مقتدر یمن می‌تواند منافع همسایگان را در صورت پایبندی آنان به مولرین همسایگی و احترام به حاکمیت و استقلال یمن، تأمین کرده و راه را بر فرصت‌طلبی قدرت‌های فرمانطق‌های برای مدیریت پنهان سیاسی–نظامی و فروش تسلیحات و تحریک به برادرکنشی سد کند. در آتش اختلاف بین کشورهای اسلامی تنهاصهیونیست‌های اشغالگر حاشیه امن پیدا کرده‌اند و کشورهای فروشنده تسلیحات ویرانگر و شرکت‌های اقتصادی این کشورها سود می‌برند؛ سوهایی که به قیمت هدر رفتن منابع و تخریب زیرساخت‌های کشورهای اسلامی و همسایه تأمین می‌شود. راه خروج از این وضعیت خسارت‌بار دست برداشتن از غرور و لجاجت و است.

منبع: پا ینگاه بصیرت

<div><div></div><div><div>سلام وطن</div></div></div>
۶۶۴۱۳۹۴۲
 دریافت پیام‌های شما از سراسر کشور